

اقتصاد ایران شاید از معدود اقتصادهایی در سطح جهان باشد که تحولات بزرگی در فواصل زمانی کوتاه در آن اتفاق می افتد. سه دلیل عمده برای این تغییرات قابل احصاء و بررسی است.

نخستین عامل، سلطه نفت بر تمامی شئون اقتصاد ملی کشور است و این که با تغییر قیمت جهانی نفت بسیاری سیاست ها، دیدگاه ها و انتظارات دچار دگرگونی می شود.

موضوع دوم، وضعیت سیاسی و امنیتی منطقه خاورمیانه، خصوصاً دو همسایه غربی و شرقی ایران است که تحولات آن به نحو اجتناب ناپذیری بازارهای جهانی نفت را تحت تاثیر قرار می دهد و سیاست های اقتصادی احتیاطی و انتظارات تورمی را دامن می زند. موضوع پراهمیت سوم سیاست های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی است که گرچه خطوط کلی آن در قالب اسناد بالادستی بلندمدتی نظیر سیاست های کلی نظام، چشم انداز ۲۰ ساله، و برنامه چهارم توسعه تدوین

کوتاه مدت باشد. اما انتظار معقول و به جا آن است که دولت ها در طراحی و اجرای سیاست های اقتصادی به گونه ای عمل کنند که مسائل و مشکلات ساختاری، پیچیده تر از گذشته نشوند و هرگونه سیاست کوتاه مدتی در بستر سیاست های اصلاحی بلندمدت به مرحله اجرا گذارده شود. اگر قرار باشد که در چند پاراگراف کوتاه مسایل اقتصاد ایران بیان شود، شاید به توان آنها را به شرح زیر خلاصه نمود:

۱- چالش اتکاء اقتصاد ملی و بودجه دولت به ارزش نفت و چگونگی عقیم سازی و مصرف بهینه یا ذخیره سازی درآمدهای اضافی نفت.

۲- رهایی تدریجی اقتصاد ملی از انرژی و نفت ارزان قیمت هم از بابت صرفه جویی در مصرف و کاهش آسیب های جدی زیست محیطی و هم از بابت تخصیص منابع حاصل از فروش آن به امور سرمایه گذاری و سایر امور اولویت دار نظیر حمل و نقل عمومی کلان شهرها، کمک به اقشار آسیب پذیر و نظایر آن ها.

بخشی از مسائل و مشکلات اقتصاد ایران، قدیمی و ساختاری است و نمی توان انتظار داشت که دولت حاضر یا هر دولت دیگری قادر به حل آن ها در کوتاه مدت باشد

سیاست های اقتصادی باید به گونه ای باشند که مشکلات ساختاری، پیچیده تر از گذشته نشوند

در ضرورت بازنگری سیاست های اقتصادی دولت

محمد هادی مهدویان

۳- کوچک سازی دولت و رها نمودن دولت از تصدی گری و برقراری ساز و کارهای معطوف به عملیاتی کردن بودجه و ارزیابی هزینه های دولت و خدمات دولتی با اتکاء به معیار و مقیاس بازار.

۴- طراحی، توسعه، و خصوصی سازی بخش مالی و نهادهای بازار پول و سرمایه.

۵- خصوصی سازی شرکت های دولتی و ایجاد فضای عمومی معطوف به رقابت و کارایی، بهره وری.

۶- اصلاح نظام پارانه ای صریح و مضمونی دولت. به جرات می توان گفت که از میان عوامل فوق سیاست های انبساطی مالی و پولی، تورم بالا، پارانه های بی هدف، وجود موانع اداری در راه فعالیت های اقتصادی بازار و عدم پیگیری و پافشاری در اصلاحات ساختاری، فوری ترین ریسک های اقتصادی ایران تلقی می شوند. اقتصاد ایران ظرفیت های اقتصادی و انسانی قابل ملاحظه ای در اختیار دارد که فقط در شرایط فضای مساعد برای فعالیت های آزاد اقتصادی و در بستر

گردیده، اما کماکان حوزه های تغییر پذیری وجود دارد که در بستر آن دولت جدید تغییرات قابل توجهی نسبت به سیاست های گذشته به وجود آورده است. دولت در زمینه تثبیت قیمت ها، سیاست های انبساطی بودجه ای، سیاست های پولی و بانکی و نرخ سود، رابطه دولت با بخش نفت، تغییراتی را در چارچوب های سیاست گذاری کشور ایجاد کرده است که به نظر بسیاری از کارشناسان اقتصادی با دوام و پویا ارزیابی نمی شوند و می باید هر چه سریع تر نسبت به این سیاست ها تجدید نظر به عمل آید.

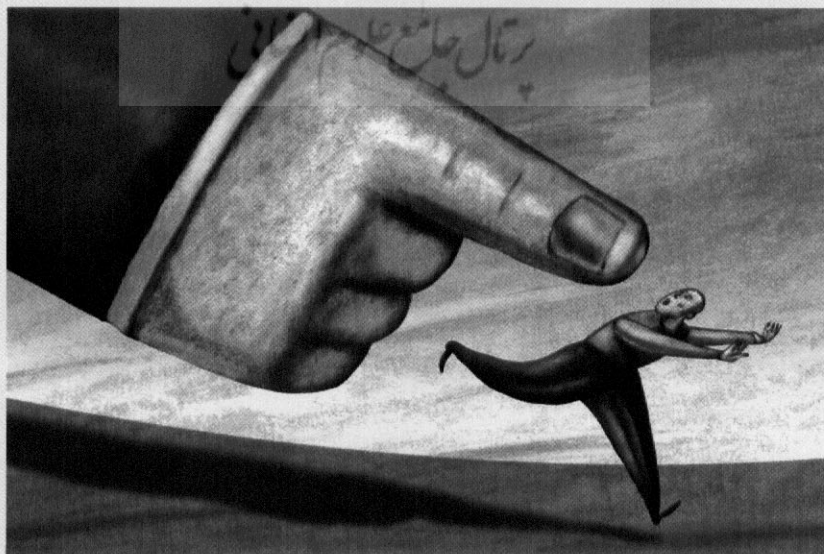
برای آنکه ارزیابی و قضاوت درستی در باره کارایی و دوام پذیری این سیاست ها داشته باشیم لازم است ابتدا شناخت صحیحی نسبت به مسایل اقتصاد ملی به دست آوریم.

نظام اقتصادی کشور از شدت تمرکز و عدم ارتباط سازنده و پویایی لایه های پایینی و نظام تصمیم سازی کلان به شدت در رنج است

بخشی از مسائل و مشکلات اقتصاد ایران، قدیمی و ساختاری است و نمی توان انتظار داشت که دولت حاضر یا هر دولت دیگری قادر به حل آن ها در

در شرایط تشدید انتظارات تورمی و بسیاری اقدامات مشابه دیگر از جانب دولت همگی دلالت بر روند منفی جریان سیاست گذاری پولی کشور دارد. اگر ایجاد پاره‌ای از این محدودیت‌ها برای بانک‌های دولتی قابل تحمل است از آن جهت است که علی‌النهایی دولت مسئولیت سلامت مالی این بانک‌ها را به عهده دارد، اما این محدودیت‌ها بانک‌های تازه تاسیس خصوصی را دچار سردرگمی و گرفتاری بزرگی ساخته است. این سیاست‌ها انگیزه‌های تجهیز منابع در نظام بانکی را به شدت تضعیف می‌کنند و مآلاً به واسطه گزینشی منابع پولی از بخش‌های رسمی به بخش‌های غیر رسمی منتهی می‌شود. در حوزه سیاست‌های بودجه‌ای دولت گفتنی‌های زیادی وجود دارد. نخستین مشکل دولت کنونی یا هر دولت دیگری کیفیت بهره‌برداری از درآمدهای نفتی بادآورده یا غیر منتظره است. درآمدهای نفتی غیرمنتظره اگر به چرخه اقتصاد ملی وارد شود آسیب‌های شدید و جدی بر رقابت‌پذیری، سیاست‌های پولی و سلامت مالی بودجه‌ای در بلندمدت وارد می‌کند. لذا برای پرهیز از این گونه آسیب‌های جدی ضرورت دارد دولت، با ارقام مصوب نفت در قالب برنامه میان مدت پنج ساله هدایت و کنترل بودجه سنواتی را عهده‌دار شود. چنانچه ارقام مصوب نفت در برنامه پنج ساله دولت کفاف هزینه‌های مورد نظر را ندهد و یا وضعیت بازار جهانی نفت بگونه‌ای باشد که پایداری فعلی بازار جهانی نفت را تداوم بخشد و به این اعتبار امکان افزایش در ارقام مصوب در برنامه پنج ساله وجود داشته باشد؛ آنگاه ضروری است که این اقدام با تحلیل و ارزیابی روشن و مشخص در قالب اصلاحیه قانون برنامه به مجلس ارایه شود.

زمینه عمده اصلاحی دیگر در سیاست‌های بودجه‌ای دولت به یارانه‌های صریح و مضمونی ارتباط می‌یابد. دولت و مجلس جدید در شروع کار خود با اصلاح ماده ۳ قانون برنامه چهارم زمینه اصلاح تدریجی نظام یارانه‌ها را از بین بردند و با تثبیت قیمت ۹ قلم کالا و خدمات دولتی زمینه ناهنجاری‌های طولانی‌تر را ایجاد کردند. اگر چه این تصمیم در زمان اتخاذ از جانب بسیاری از نمایندگان اقدامی کوتاه مدت تلقی شد و در همان زمان دولت مکلف شد که طرحی جامع برای



انتظار معقول و به جا آن است که دولت‌ها در طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصادی به گونه‌ای عمل کنند که مسائل و مشکلات ساختاری، پیچیده‌تر از گذشته نشوند

شده است، اما دولت در یک سال اخیر محدودیت‌های وسیعی برای سیاست‌های غیر تورمی پولی ایجاد کرده است. سیاست‌های موثر پولی غیر تورمی مستلزم استفاده وسیع و گسترده از ابزارهای غیر مستقیم سیاست پولی است که متأسفانه بانک مرکزی فاقد آن است. مضافاً آنکه در یک سال اخیر محدودیت‌های جدی و سنگینی از جانب دولت بر نظام پولی و بانکی تحمیل شده است. تشدید روند تسهیلات تکلیفی، گسترش اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه در سفرهای استانی رئیس‌جمهور، ایجاد دشواری در استفاده بانک مرکزی از اوراق مشارکت، فشار بر نرخ‌های سود بانکی

اصلاحات ساختاری این امکانات بالقوه به توانمندی‌های بالفعل تبدیل می‌شوند. متأسفانه شواهد و دلایل موجود حکایت از آن دارد که دولت اقدامات محدودی در جهت بهره‌برداری از این امکانات به عمل آورده است.

یکی از اقدامات اساسی برای تشویق مشارکت فعال بخش خصوصی، بهبود و اصلاح فضای عمومی اقتصاد است که در شرایط نبود آن نیل به رشد اقتصادی با دوام و اشتغال پایدار ممکن نیست. دولت می‌باید به جای مداخله در ساز و کار بازارها انعطاف‌پذیری بیشتری در مقررات بازار ایجاد نماید و در جهت تقویت اجرای قراردادها در قالب قوانین کوشا باشد. تقویت زمامداری شرکت‌ها و پوشش حمایتی بر سرمایه‌های تولیدی از جمله اقداماتی است که می‌باید در اولویت برنامه‌های دولت قرار داشته باشد. در برنامه چهارم توسعه حدود یک سوم از نرخ رشد متوسط سالانه هدف گذاری شده به بهره‌وری کل عوامل تولید اختصاص یافته است که هنوز برنامه عملیاتی روشنی از جانب دولت برای آن تدوین و ابلاغ نشده است.

یکی دیگر از اقدامات ضروری و بایسته دولت تحدید هزینه‌های جاری و به خصوص ایجاد هدف‌مندی و کاهش در یارانه‌ها است که به شکل اجتناب‌ناپذیری ناهنجاری‌های عمده‌ای در قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات ایجاد کرده است.

بودجه دولت نیازمند یک تثبیت همه جانبه از جهت کاهش اتکاء به درآمدهای نفتی، ایجاد شفافیت بیشتر در انجام هزینه‌ها و تقویت مدیریت تقدینگی و جوه خزانه است. تمسک فزاینده دولت به جوه نفتی و برداشت از حساب ذخیره ارزی نفت هم از بابت آثار سوء تورمی

و هم سویی بودجه و قیمت نفت و هم از بابت تضییع درآمدهای نفتی غیر قابل توجیه است.

یکی دیگر از زمینه‌های عمده اصلاحی موضوع سیاست‌های پولی و بانکی است که در ماه‌های اخیر سیاست‌های دولت در این زمینه به شدت از جانب اقتصاددانان مورد انتقاد قرار گرفته است. با وجود آنکه در مواد مختلف قانون برنامه چهارم استقلال نسبی بالاتری برای مقام پولی در نظر گرفته

هنوز هم وجود دستگاه‌های موازی و دستگاه‌هایی که فلسفه وجودی روشنی در شرایط خاص ندارند، از معضلات اصلی نظام مدیریت کلان و بودجه دولت تلقی می‌شود

سازنده و پویای لایه‌های پایینی و نظام تصمیم‌سازی کلان به شدت در رنج است و به این لحاظ از بابت ضعف مشارکت‌های مردمی در تجهیز منابع و دست‌یابی به ظرفیت‌های بالقوه جدید دچار مشکل است. برنامه رییس جمهور محترم در کمک به اقشار و مناطق محروم در قالب سفرهای استانی و تخصیص ردیف کشوری در اختیار رییس جمهور برای این امور نیز از جنبه‌های متفاوت قابل نقد است.

آنچه که در شرایط حاضر به عنوان سفرهای استانی رییس جمهور طراحی و اجرا شده نه تنها شکل پایدار و قابل دوامی برای توسعه منطقه‌ای و مناطق محروم کشور ارائه نمی‌کند، بلکه بسیاری از تحلیل‌گران بر این اعتقادند که تقلیل این امور مهم به سطوح نازل تبلیغات سیاسی در واقع از ابتدا انتفاع حاصل از این تلاش‌ها را زایل می‌سازد.

رسیدگی به مناطق محروم و توسعه منطقه‌ای یکی از محورها و اولویت‌های توسعه اقتصاد ملی است و به این اعتبار می‌باید در بستری سیستماتیک با بذل توجه به ضرورت ایجاد عدم تمرکز و جلب مشارکت‌های فعال مردمی در نظام کلان تصمیم‌سازی مطمح نظر قرار گیرد. مطالب گفته شده محورهای اصلی اصلاحات نظام اقتصادی کشور است که می‌باید به صورت جامع و همه‌جانبه مورد نظر قرار گیرد. بعضی از زمینه‌های این اصلاحات هم اکنون به صورت معضل و مشکلی جدی در مقابل کشور عرض اندام می‌کنند.

بنابراین لازم است پاسخ مناسبی در کوتاه مدت برای آن‌ها ارائه شود. در بعضی زمینه‌های دیگر اگر چه ممکن است انجام اقدام عاجل ضرورت نداشته باشد، اما ناهنجاری‌ها و عدم تعادل‌ها به گونه‌ای است که در فواصل زمانی کوتاه ظرفیت ایجاد بحران‌های بزرگ دارند.

لذا به نظر می‌رسد پرداختن به امور فوق در قالبی منسجم و هماهنگ فقط در چارچوب ارائه یک اصلاحیه جامع برای قانون برنامه چهارم امکان‌پذیر است. قانون برنامه چهارم در شکل فعلی از بابت تثبیت قیمت‌ها، تعریف رابطه مالی دولت و بخش نفت، تحکیم مبانی حساب درآمد ارزی، اصلاح یارانه‌ها، تمرکز زدایی، توسعه و تحکیم بازار پول و بعضی زمینه‌های دیگر دچار نارسایی و ضعف‌های جدی است و می‌باید در این زمینه‌ها مورد بازبینی قرار گیرد. ●

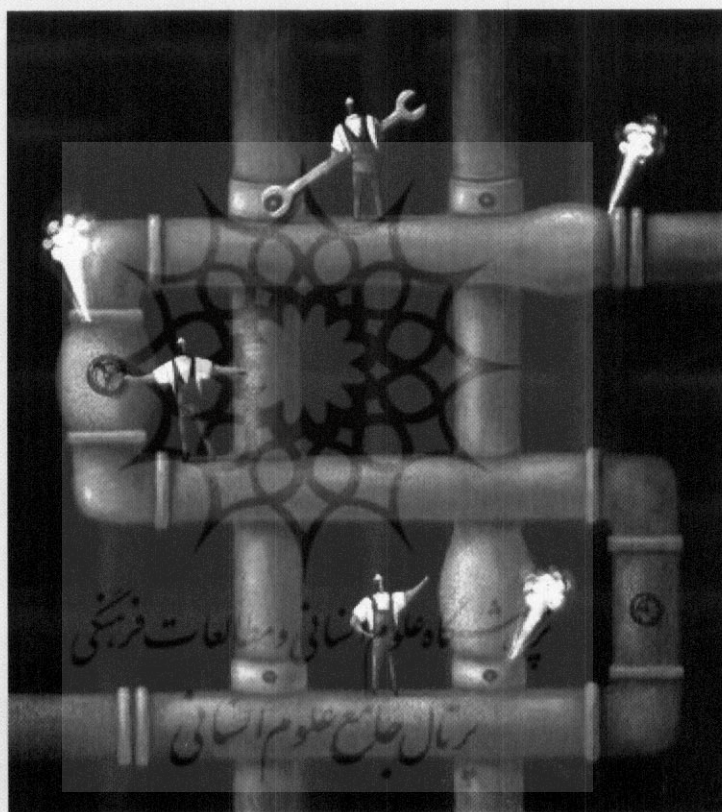
اصلاح و هدف‌مند کردن یارانه‌ها ارائه‌کننده، اما این طرح هیچ‌گاه از جانب دولت به مجلس ارائه نشد. هم‌اکنون یارانه‌های صریح حدود ۲۰ درصد کل بودجه یارانه‌های صریح و مضمونی بیش از ۵۰ درصد بودجه دولت را به خود اختصاص می‌دهند. بعید است در جهان بتوان کشوری را پیدا کرد که بیش از ۵۰ درصد بودجه آن به یارانه‌های بی‌هدف و اخلاف‌گر قیمت‌های بازار اختصاص داشته باشد. تخصیص منابع و امکانات کشور در قالب این یارانه‌ها و بعضاً آسیب‌های بسیار جدی این یارانه‌ها آن‌چنان مشهود است که هیچ‌گونه توجیهی برای عدم اصلاح آن پذیرفته نیست.

بودجه دولت هیچ‌گاه از بابت کارآیی و اثربخشی هزینه‌های آن مورد بررسی جدی قرار نگرفته است. هنوز هم وجود دستگاه‌های موازی با شرح وظایف مشابه و دستگاه‌هایی که فلسفه وجودی روشنی در شرایط خاص ندارند، از معضلات اصلی نظام مدیریت کلان و بودجه دولت تلقی می‌شود. بخش قابل توجهی از هزینه‌های جاری دولت در زمینه‌هایی مصرف می‌شود که ممکن است دولت خود ارزیابی روشنی از میزان مطلوبیت خدمات آن در اختیار نداشته باشد. در مباحث نظری مالیه عمومی روش‌ها و مبانی روشنی در خصوص اثربخشی و ارزیابی کارآیی و مطلوبیت انواع خدمات دولتی و چگونگی و کیفیت ایجاد توازن

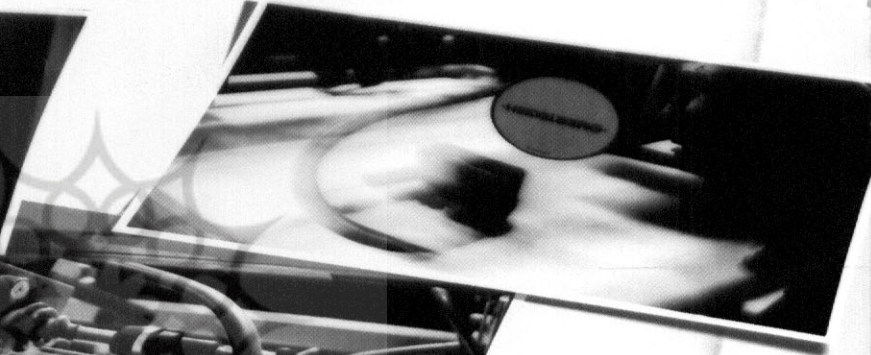
در سطوح مطلوبیت انواع خدمات دولتی مطرح است که در نظام بودجه‌ای و بودجه‌ریزی ایران این مباحث غایب و مغفول است.

یکی از مطالب عمده‌ای که در نظام اقتصادی و اجتماعی جدید ایران مطرح شده و هر از گاه حسب شرایط و اوضاع و احوال، مشکلات آن مطرح می‌شود موضوع تمرکز زدایی و ایجاد عدم تمرکز در نظام تصمیم‌گیری کشور به طور کلی و نظام بودجه‌ریزی کشور به صورت اخص است.

نظام اقتصادی کشور از شدت تمرکز و عدم ارتباط



یکی از اقدامات اساسی برای تشویق مشارکت فعال بخش خصوصی، بهبود و اصلاح فضای عمومی اقتصاد است



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

قلمت و تجربه اکنو سرت و تکنولوژی



تهران/ خیابان انقلاب/ ابتدای خیابان استاد نجات الهی
پلاک ۱۵ تلفن : ۸۸۸۹۸۵۸۰ / فاکس : ۸۸۹۱۰۹۳۲